



A Sociological Study of Local Conflicts and Competitions and Their Effects on the Development of Local Communities (Case Study of Baghkhavas and Aliabad Qashqai Villages in Varamin County)

Mohammad Reza Sheikhtaheri¹ | Seyed Ahmad Firouzabadi²

1. Department of Development Studies, Faculty of Social Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran.
E-mail: m.sheikhtaheri@ut.ac.ir
2. Corresponding Author, Department of Development Studies, Faculty of Social Sciences, University of Tehran, Iran.
E-mail: afirouzabadi@ut.ac.ir

Article Info	ABSTRACT
Article type: Research Article Article history: Received: 12 February 2025 Received in revised form: 09 April 2025 Accepted: 03 May 2025 Published online: 29 December 2025 Keywords: Baghkhawas and Aliabad, Collective Conflict, Cultural Confrontation, Institutionalism Marginalization, Scarcity.	There has been a lengthy history of collective conflict in local communities, particularly rural ones, which is a challenging social phenomenon. Iran has consistently been an appropriate environment for this phenomenon as a result of its ethnic diversity and the prevalence of immigration and exile throughout history. The objective of this study was to ascertain the causes and origins of local conflicts and rivalries between the two villages of Baghkhavas and Aliabad Qashqai, which are situated in Varamin County, and their impact on the local community's development. In addition, the current investigation endeavors to identify and mitigate this phenomenon between the two villages. The qualitative approach of this investigation is predicated on Strauss and Corbin's Grounded Theory. Semi-structured interviews were conducted with 36 local informants and members of local organizations to gather data until theoretical saturation was achieved. Analysis of the study data and the paradigmatic model shows that marginalization, cultural confrontation, intra-group prejudices, property and ownership disputes, acquisition of symbolic capital, and retrospection have been effective factors in collective conflict. In response to this phenomenon, the residents of these two villages have implemented strategies of resource blocking, negative bargaining, differentiation, migration, and patronage. These strategies have resulted in destruction, disruption of social capacities, reduced participation, institutional distrust, and institutionalism. According to research findings, the primary strategies for managing local conflicts and competitions in the Baghkhavas and Aliabad Qashqai are to alter agricultural practices and product categories, establish institutions, and extend the traditional-ritual interaction pattern to other regions.

Cite this article: Sheikhtaheri, M. & Firouzabadi, A. (2025). A Sociological Study of Local Conflicts and Competitions and Their Effects on the Development of Local Communities (Case Study of Baghkhavas and Aliabad Qashqai Villages in Varamin County). *Community Development (Rural-Urban)*, 17 (2):323-341.
<https://doi.org/10.22059/jrd.2025.387019.668889>



©Author(s) retain the copyright.

Publisher: University of Tehran.

DOI: <https://doi.org/10.22059/jrd.2025.387019.668889>

مطالعه جامعه‌شناختی نزاع‌ها و رقابت‌های محلی و اثرات آن بر توسعه اجتماع محلی (مورد مطالعه: روستای باغخواص و علی‌آباد قشقایی از توابع شهرستان ورامین)

محمدرضا شیخ طاهری^۱ | سید احمد فیروزآبادی^۲

^۱ گروه توسعه اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: m.sheikhtaheri@ut.ac.ir

^۲ نویسنده مسئول، گروه توسعه اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: afirouzabadi@ut.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۲۴ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۱/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۲/۱۳ تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۱۰/۸ کلیدواژه‌ها: باغخواص و علی‌آباد، تفاوت فرهنگی، حاشیه نشینی، نهادخواهی، نزاع جمعی	نزاع دسته‌جمعی یکی از پدیده‌های اجتماعی چالش‌برانگیز است که از دیرباز در اجتماعات محلی به‌ویژه روستایی وجود داشته است. ایران به‌علت تنوع قومیتی و همه‌گیری پدیده مهاجرت و تبعید، در طول تاریخ همواره بستری مناسب برای این پدیده بوده است. پژوهش حاضر با هدف شناخت علل و منشأ نزاع‌ها و رقابت‌های محلی بین دو روستای باغخواص و علی‌آباد قشقایی، از توابع شهرستان ورامین، و اثرات آن بر توسعه اجتماع محلی انجام شده است. این پژوهش همچنین به دنبال ارائه راهکارهایی برای کنترل و کاهش این پدیده است. رویکرد پژوهش حاضر کیفی و مبتنی بر نظریه داده‌بنیاد است. به‌منظور جمع‌آوری داده‌ها، مصاحبه‌های نیمه‌ساختارمندی با ۳۶ نفر از مطلعان محلی و اعضای سازمان‌های محلی تا رسیدن به اشباع نظری انجام شد. تحلیل داده‌های مطالعه و مدل پارادایمی نشان می‌دهد حاشیه‌نشینی، تفاوت فرهنگی، تعصبات درون‌گروهی، اختلافات ملکی و مالکیتی، کسب سرمایه نمادین و گذشته‌نگری عوامل مؤثر بر پدیده تمایزگذاری بوده‌اند. اهالی در مقابل این پدیده راهبردهای نزاع جمعی، رقابت‌طلبی، انسداد منابع، چانه‌زنی منفی و حمایت‌گری را اتخاذ کرده‌اند. پیامد این راهبردها تخریب‌گری، گسست ظرفیت‌های اجتماعی، مهاجرت، کاهش مشارکت، بی‌اعتمادی نهادی و نهادخواهی بوده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد مهم‌ترین راهبردها برای کنترل نزاع‌ها و رقابت‌های محلی، تغییر شیوه‌ها و نوع محصول کشاورزی، نهادخواهی و بسط الگوی موفق تعاملات سنتی-مناسکی به سایر عرصه‌ها است.

استناد: شیخ طاهری، محمدرضا و فیروزآبادی، سیداحمد (۱۴۰۴). مطالعه جامعه‌شناختی نزاع‌ها و رقابت‌های محلی و اثرات آن بر توسعه اجتماع محلی (مورد مطالعه: روستای باغخواص و علی‌آباد قشقایی از توابع شهرستان ورامین). *توسعه محلی (روستایی-شهری)*. ۱۷ (۲)، ۳۴۱-۳۲۳.

<https://doi.org/10.22059/jrd.2025.387019.668889>



© نویسنده(گان) حق نشر را حفظ می‌کنند.

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

DOI: <https://doi.org/10.22059/jrd.2025.387019.668889>

۱. مقدمه و بیان مسئله

توسعه اجتماعی در رویکرد نوین متکی بر مفاهیمی مانند آزادی، مشارکت، توجه به قومیت‌ها، رفع تضادهای بین آن‌ها و سرمایه اجتماعی است. این رویکرد همواره متکی بر تعاملات جمعی و همزیستی محلی و بومی در برنامه‌ریزی توسعه است (چمبرز، ۱۹۹۷). در این ایده، شناخت گروه‌های اجتماعی و مسائل آن‌ها از چنان اهمیت و اولویتی برخوردار است که گمان می‌رود بدون توجه به آن امکان توسعه اجتماعی فراهم نمی‌آید. در همین راستا یکی از پدیده‌های اجتماعی که امروزه به چالش و آسیب عمده‌ای در برخی از روستاها، مناطق حاشیه‌ای و مهاجرپذیر تبدیل شده و فرایند توسعه اجتماعی را با چالش مواجه کرده «نزاع‌های دسته‌جمعی»^۱ است. نزاع دسته‌جمعی مسئله‌ای است که آرامش، امنیت و کیفیت زندگی را تهدید می‌کند و معمولاً در جوامع سنتی، قبیله‌ای و روستایی بیشتر یافت می‌شود (طالب و درویشی، ۱۳۹۸: ۲۹۴). مسائل اخلاقی، شرافتی، تعصبات قومی و قبیله‌ای، عدم مراجعه به مراجع رسمی برای حل اختلافات، نبود آموزش لازم به خانواده‌ها، بی‌عدالتی، مهاجرت و تراکم بی‌رویه جمعیت از عوامل مؤثر در ایجاد این پدیده بوده است (فروزنده، ۱۴۰۲: ۴). بسته به فرهنگ، هنجار و سطح توسعه جوامع، شدت این نزاع‌ها متغیر بوده است. در اجتماعات توسعه‌یافته به علت نظام کنترلی قوی، ابزارهای بازدارنده قضائی و تحول در سبک زیست قومی، از شدت و میزان آن کاسته شده است. درحالی‌که در جوامع درحال توسعه و حتی توسعه‌نیافته، به علت بافت سنتی، وجود الگوهای قومی، تأثیر عصبیت‌های نیرومند اجتماعی و نظام طایفه‌ای-خویشاوندی، به سرعت به چالشی دامنه‌دار تبدیل می‌شود. این پدیده در جامعه مکانیکی دورکیم^۲ و گماینشافت تونیس^۳ به علت ارتباطات خویشاوندی اعضای جامعه به یکدیگر و سرمایه اجتماعی محدودکننده بیشتر است. طیف وسیعی از نزاع‌های جمعی در جوامع سنتی، ریشه در تعصبات طایفه‌ای دارد که در بطن فرهنگ اقوام و طوایف نهفته است. اعتقاد به مردسالاری، برگزیده‌بودن و گذشته و آینده‌ای روشن در طوایف از این تعصبات است (نمکی و فاضلی، ۱۴۰۲). این تعلقات به هنجارهای طایفه‌ای و نژادی، عامل افتخار و مایه مباهات تلقی می‌شود و عاملی در تضاد و نزاع است. از طرف دیگر، هنگامی که جوامع قومی با توسعه مواجه می‌شوند، شکنندگی محیطی (خشکسالی، کاهش منابع توسعه پایدار، ناامنی غذایی و کاهش زمین‌های قابل کشت) سرمایه اجتماعی را ضعیف می‌کند و جامعه برای کنترل بیشتر این منابع به سمت نزاع و درگیری می‌رود (آگولا و البی، ۲۰۰۳). این پدیده موجب درگیری‌های طولانی‌مدت بین گروه‌های اجتماعی می‌شود که خود عامل افتراق بین گروه‌های اجتماعی، کاهش انسجام اجتماعی، افزایش پرونده‌های قضائی، عدم تمایل به سرمایه‌گذاری، ایجاد خسارت‌های مالی و جانی و عدم پیشرفت جوامع محلی است. با عنایت به تنوع قومیتی، وجود پدیده مهاجرت، تبعیض‌های اجباری و نارسایی‌های محیطی و اجتماعی، این پدیده طی سالیان اخیر در ایران روند افزایشی داشته و با استناد به آمار سازمان پزشکی قانونی، در چهار سال منتهی به ۱۴۰۱ این میزان در بیشترین حد بوده است (عشایری، ۱۴۰۲).

این پدیده بین روستاهای باغخواس و علی‌آباد عشقایی در شهرستان ورامین از دهه‌های قبل وجود داشته و همواره به عنوان آسیبی تأثیرگذار بر روند فعالیت‌های دو روستا شناخته می‌شود. با مروری بر پیشینه این منطقه، از دوره مدیریت‌های محلی سنتی مانند کدخدا، انجمن ده و دهقان تا امروز که سیستم مدیریت محلی نوین شورای اسلامی و دهیاری شکل گرفته است، شاهد درگیری‌ها و نزاع‌های جمعی دامنه‌دار و تأثیرگذاری بین این دو روستا بوده‌ایم. در مواردی نزاع‌ها سالیان متوالی طول کشیده و موجب آسیب‌هایی مانند مهاجرت، تخریب زمین‌های کشاورزی، تعطیلی بانک و خانه بهداشت شده است. بدین ترتیب مسئله تحقیق حاضر تبیین منشأ و دلیل

1. Collective Conflict

2. Durkheim

3. Tonnies

این نزاع‌ها بین دو روستای یادشده و آسیب‌ها و سویه‌های منفی‌ای است که این منازعات برای توسعه اجتماع محلی در روستاهای باغخواس و علی‌آباد دارند. ضمن آنکه تحقیق حاضر به دنبال فراهم‌ساختن چارچوب و مدلی است تا به راهکارهایی برای کاهش منازعات دست یابد. یکی از وجوه نوآورانه این پژوهش آن است که نزاع را با وام‌گرفتن از ایده‌های وبر و میلر، به ابعاد فیزیکی آن تقلیل نخواهد داد و در پی شناخت اشکال نوین نزاع و حوزه‌های اعمال آن در این اجتماع محلی است؛ بنابراین سؤالات پژوهش حاضر عبارت‌اند از: منشأ نزاع‌ها، درگیری‌ها و رقابت‌های بین دو روستای باغخواس و علی‌آباد قشقای چیست؟ چالش‌ها و سویه‌های منفی‌ای که این نزاع‌ها برای این دو روستا ایجاد کرده‌اند کدام‌اند؟ و نزاع‌ها و رقابت‌ها چه تأثیری بر توسعه اجتماع محلی دو روستا گذاشته است؟

۲. پیشینه تحقیق

اجرای هر پژوهشی نیازمند شناخت از پژوهش‌های پیشین است که به مسئله مشابه توجه داشته‌اند. مرور چنین پژوهش‌هایی این فرصت را به‌وجود می‌آورد تا پژوهش حاضر نسبت به ابعاد مشابه یا مفارقت خود با فرایندهای فکری مربوط به مسئله پژوهش، آگاهی حاصل کند. پژوهشگر باید موقعیت مسئله پژوهش را نسبت به چارچوب‌های فکری تأییدشده به‌صورت واضح مشخص کند (کیوی و کامپنهود، ۱۳۷۰: ۳۶). تحقیقات متعددی درباره نزاع‌های جمعی و پیامدهای آن صورت گرفته است. دسته نخست تحقیقات با مدل نظری ساختاری-محیطی‌اند که به دنبال تبیین پدیده نزاع‌های جمعی بوده‌اند. این پژوهش‌ها به عوامل محیطی، آب‌وهوایی و اقتصادی به‌عنوان عاملی تأثیرگذار در نزاع‌های گروهی توجه کرده‌اند که بیشتر در قلمرو علوم اقتصادی، جغرافیایی و کشاورزی قابل‌پیگیری هستند؛ برای مثال جهانی و حیدری (۱۴۰۳) به این نتیجه رسیدند که افزایش نرخ‌های تورم، بیکاری و ضریب جینی بر افزایش میزان نزاع‌های جمعی در استان‌های مختلف مؤثر است. براین‌اساس نابسامانی‌های اقتصادی، شکاف طبقاتی و کمیابی منابع همواره بر ایجاد نزاع‌های جمعی اثر می‌گذارد. چمتوئی (۱۴۰۲) نیز در تبیین منشأ نزاع‌های جمعی بیان کرد کیفیت زیباشناختی محله‌ها، ناهماهنگی‌های فضایی، محیط فیزیکی اجتماعات محلی و محرومیت‌های نسبی در ایجاد نزاع‌های جمعی تأثیرگذار بوده است. همچنین رحمتی و یزدانی (۱۴۰۰) با هدف شناسایی عوامل مؤثر بر وقوع درگیری و نزاع جمعی، به این نتیجه رسیدند که متغیرهای اقتصادی، محیطی و محرومیت‌های نسبی بر میزان گرایش به نزاع‌های جمعی مؤثر است. شیخ‌طاهری و فیروزآبادی (۱۴۰۳) نتیجه‌گیری کرده‌اند که علل و عوامل نزاع دسته‌جمعی در جامعه ایران را می‌توان تحت تأثیر شرایط اقلیمی نیز صورت‌بندی کرد. بدین معنا که علل نزاع در اقلیم مرکزی و خشک ایران به‌شدت از عوامل محیطی مانند کمیابی و رقابت بر سر منابع تأثیر می‌پذیرد. هرچه از مرکز به‌سمت غرب و جنوب غرب حرکت کنیم، به‌تبع وجود بافت اجتماعی چندقومیتی، این پدیده بیشتر به علل خویشاوندگرایی و خاص‌گرایی‌های تعمیم‌یافته شکل گرفته است. همچنین در شرق و جنوب شرق، نزاع‌ها بیشتر تحت تأثیر تجربه نزاع، محرومیت‌ها و ناامنی‌های اجتماعی-سیاسی رخ می‌دهد. در نواحی شمالی نیز بیشتر به علل نابرابری و احساس محرومیت نسبی رخ داده است.

تحقیقات دیگری نیز با استفاده از دیدگاه‌های انسجام اجتماعی-فرهنگی به دنبال بررسی موضوع نزاع‌های جمعی بوده‌اند. عشایری (۱۴۰۲) در یک فراتحلیل کمی، اثر طایفه‌گرایی را بر نزاع‌های جمعی در استان‌های کشور بررسی کرد. مطابق نتایج، طایفه‌گرایی بر نزاع جمعی تأثیر معنی‌داری داشته و با افزایش شدت طایفه‌گرایی، گرایش به نزاع‌های جمعی به‌شدت افزایش یافته است. در پژوهشی دیگر جعفری‌مقدم (۱۴۰۲) عوامل اجتماعی نزاع را در شهر بیرجند مطالعه کرد و دریافت که میزان تعهد به قراردادهای ارزش‌ها و رسوم اجتماع محلی و میزان مشارکت افراد در جامعه همواره با میزان گرایش به نزاع‌ها رابطه معنی‌دار دارد.

همچنین پروانه (۱۴۰۰) در پژوهشی کیفی به دنبال تبیین منشأ نزاع‌های جمعی در شهرستان گیلانغرب بود و به این نتیجه رسید که تعصبات طایفه‌ای، ساختارهای سنتی-ایلی و مسائل مربوط به انتخابات از عوامل مؤثر بر نزاع‌های جمعی است که پیامدهایی مانند اخلال در نظم عمومی، مهاجرت و تلفات جانی و مالی را دارد. درویشی (۱۳۹۴) در پژوهشی نشان داد تعصبات طایفه‌ای، جمع‌گرایی عمودی، همبستگی درون‌گروهی و پیوندهای خویشاوندی زمینه‌ساز نزاع‌های دسته‌جمعی است.

۳. تأملات مفهومی و نظری

واژهٔ نزاع^۱ به معنی برخورد و مبارزه است (بیرو، ۱۳۷۵: ۶۲). در این معنی، نزاع دسته‌جمعی عبارت است از مبارزه‌ای که در آن گروه‌های رقیب تلاش می‌کنند در جهت دستیابی به هدف، خنثی کردن یا حذف، دیگری را از سر راه بردارند (چیتامبار، ۱۳۸۵: ۲۱۷). این تعاریف از نزاع در اشکال و صورت‌های گوناگون آشکاری شود: تحمیل ارادهٔ فرد بر دیگران علی‌رغم مقاومت و مخالفت دیگری (وبر، ۱۳۸۸: ۱۹)، مبارزه و نزاع طبقاتی در طول تاریخ (کوزر و روزنبرگ، ۱۳۹۸: ۲۱۰)، اعمال قدرت فردی و گروهی برای نیل به هدف و جلوگیری از رشد و پیشرفت سایر افراد و گروه‌ها (می‌یر، ۱۳۶۸: ۲۴) و تعامل تعارض گروه‌ها برای رسیدن به اهداف (افوکه و اسیف، ۲۰۰۹: ۲).

در بحث از علل و منشأ این پدیدهٔ اجتماعی، دیدگاه‌های گوناگونی وجود دارد که می‌توان آن‌ها را ذیل سه گفتمان صورت‌بندی کرد: رویکرد اقتصادی-محیطی، رویکرد تبیینی فرهنگ‌محور و رویکرد تبیینی اجتماع‌محور. تأملات نظری رویکرد اقتصادی-محیطی، بیشتر تحت عناوین تئوری‌های ناکامی-محرومیت-ستیزه‌جویی یا دیدگاه‌های بوم‌شناختی قرار دارد. دال مرکزی آن این است که شرایط اقتصادی-محیطی مطلوب، احتمال نزاع و درگیری بین کنشگران اجتماعی را کاهش می‌دهد. همچنین در مناطقی که افراد با کمبود و فقر روبه‌رو هستند، نزاع‌های جمعی بیشتر مشاهده می‌شود (آزم، ۲۰۲۳؛ تری یاندریس، ۱۳۸۸). در ابتدای دههٔ ۱۹۹۰ و با توسعهٔ پارادایم فرهنگ‌محور یا آنچه چرخش فرهنگی در علوم اجتماعی نامیده می‌شود، رویکردهای فرهنگ‌محور تأثیرگذاری بیشتری در روایت پدیده‌های اجتماعی پیدا می‌کنند. در این زمینه یوهان گالتونگ^۲ (۱۹۹۰) می‌گوید در بعضی از فرهنگ‌ها کدهای فرهنگی، عناصری تولید می‌کنند که خود را بازتولید کنند. چنین کدهایی ممکن است دارای ابعادی از خشونت باشند که در قالب سندروم‌هایی آشکار می‌شوند؛ سندروم‌هایی مانند اعتقاد به برگزیده‌بودن و آینده‌ای باشکوه داشتن. این سندروم‌ها در سطح کلان خود را به شکل ابعادی از میهن‌پرستی، عشق به سرزمین، برگزیدگی دینی و ملی و عظمت‌طلبی نشان می‌دهد. سندروم دیگر مردسالاری است. گالتونگ ارتباط بین جنسیت و درگیری را نظام نگرشی و نهادینه‌شدهٔ تهاجمی می‌داند که موجب بازتولید نزاع در همهٔ ابعاد می‌شود (گالتونگ، ۱۹۹۶ به نقل از نمکی و فاضلی، ۱۴۰۲: ۲۱). رویکرد دیگری که در بحث از نزاع‌ها و علل آن مطرح است، نظریات اجتماع‌محور است. در این نظریات، انسجام اجتماعی به‌عنوان یک متغیر واسطه میان سرمایهٔ اجتماعی و نزاع‌های دسته‌جمعی عمل می‌کند. هرچقدر سرمایهٔ اجتماعی میان افراد بیشتر باشد، احتمال ایجاد نزاع و خشونت در بین آن‌ها کاهش پیدا می‌کند. گرانووتر^۳ (۱۹۷۳) بیان می‌کند بین «پیوندهای قوی» و «پیوندهای ضعیف» در اجتماعات محلی تفاوت وجود دارد. علی‌رغم آنکه نظریه‌پردازان علوم اجتماعی تمایل بیشتری دارند که بر پیوندهای قوی بین کنشگران و گروه‌ها در اجتماعات محلی تأکید کنند، گرانووتر تأکید کرد که پیوندهای سست نیز بسیار اهمیت دارند. بدین معنا که اگر گروه‌ها در یک اجتماع محلی به میزان پیوندهای قوی، پیوندهای

1. Conflict

2. Galtung

3. Granovetter

ضعیف نداشته باشند، زمینه رقابت و نزاع ایجاد می‌شود. تعبیر دیگری از همین مؤلفه نوع انسجام اجتماعی، توسط نظریه‌پردازان سرمایه اجتماعی مطرح شده است؛ به‌صورتی که سرمایه اجتماعی درون‌گروهی یا میثاقی (به تعبیر پاتنام^۱) تمایل دارد همگنی را تقویت کند و مانند چسب، وفاداری درونی گروه را تثبیت کند (پاتنام، ۲۰۰۲: ۷). سرمایه اجتماعی درون‌گروهی و برون‌گروهی تأثیر متمایزی بر نوع رفتار گروه‌ها با یکدیگر و رشد و توسعه اجتماعات محلی داشته است؛ به‌صورتی که سرمایه اجتماعی برون‌گروهی اثر مثبت و سرمایه اجتماعی درون‌گروهی اثر منفی داشته است و می‌تواند عاملی در ایجاد درگیری و نزاع جمعی باشد. بوردیو^۲ نیز در همین راستا در نظریه ساختاریی بیان می‌کند موقعیت‌ها و تعاملات افراد در یک میدان، عادت‌واره‌های مشخصی را می‌سازد که می‌تواند بر رفتارهای کنشگران اثر بگذارد (بوردیو، ۱۳۹۳: ۶۸).

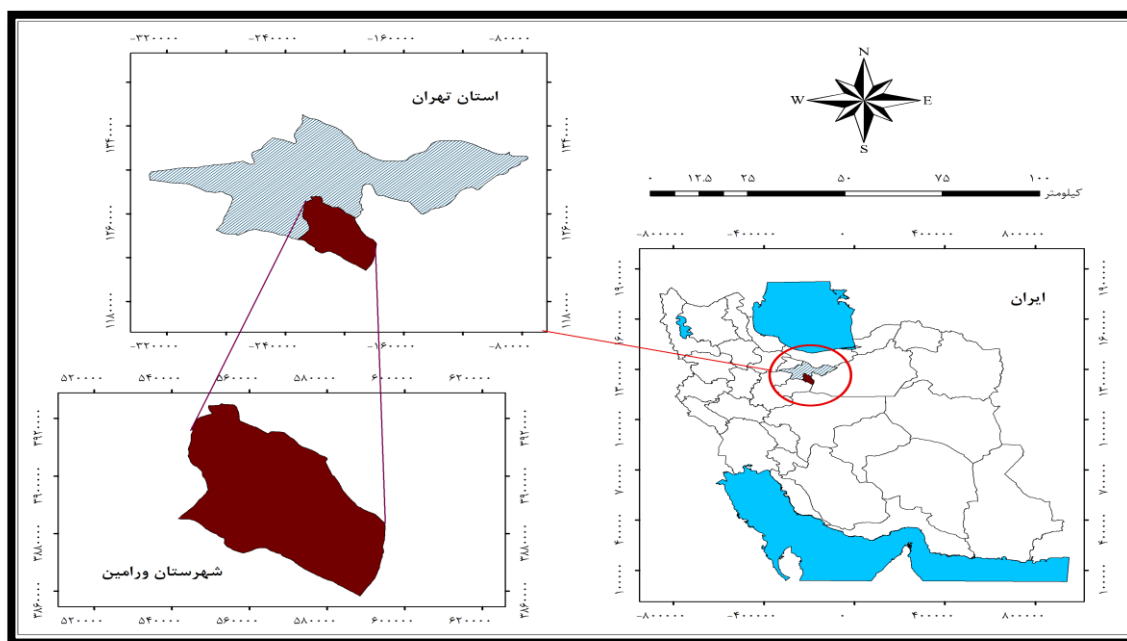
اصولاً نزاع، امنیت و توسعه اجتماع محلی بسیار به یکدیگر مرتبط هستند. زمانی که در جامعه‌ای نزاع بین افراد، گروه‌ها و قومیت‌ها رواج پیدا می‌کند، امنیت تضعیف می‌شود که شاخص بسیار مهمی در توسعه است. به‌عکس اگر مناطقی را که توسعه‌ای نداشته‌اند در یک دوره زمانی طولانی بررسی کنیم، متوجه می‌شویم که افراد و گروه‌ها تمایل دارند ناامیدی ناشی از آن را علیه یکدیگر و علیه صاحبان قدرت تخلیه کنند (متینودم، ۲۰۰۹: ۹۹۱). اساساً رویکرد توسعه اجتماع محور در ذیل گفتمان توسعه مشارکتی بر مبنای سنت‌های مدنی قرار می‌گیرد که از مطالعات سرمایه اجتماعی و شبکه روابط اجتماعی استفاده می‌کند (عنبری، ۱۳۹۷: ۲۹۷-۲۹۸). توسعه اجتماع محور^۳ روایتی انسانی-اجتماعی از گفتمان توسعه^۴ ارائه می‌کند. در این روایت، رفع موانع نیل به توسعه مانند نزاع، با بهره‌گیری از «سرمایه اجتماعی»^۵ و «ظرفیت اجتماعی»^۶ بومیان امکان‌پذیر می‌شود که در ذیل دو رویکرد نیازمنا^۷ و دارایی‌مبنا^۸ تئوریزه شده است. در رویکرد نیازمنا نیازهای اجتماع محلی به‌وسیله تفریق منابع موجود از منابع مورد نیاز به شکل دقیق مشخص می‌شود و مبتنی بر اقدام از بیرون اجتماع محلی است (کرتزمن و مک‌کینگت، ۱۹۹۳: ۸). اما دیدگاه دارایی‌مبنا همواره بر «توانمندسازی»^۹ در مقابل استحقاق تأکید دارد و همچنین بر مکان‌منا بودن متکی است. در پرتو چنین نگاهی، پدیده‌های کژکارکردی که گسست اجتماعی را به‌وجود می‌آورند، مؤلفه‌ای محل امر توسعه اجتماعی تلقی می‌شوند. نزاع جمعی در اجتماعات محلی روستایی و شهری همواره یکی از این پدیده‌ها بوده است.

۴. روش پژوهش

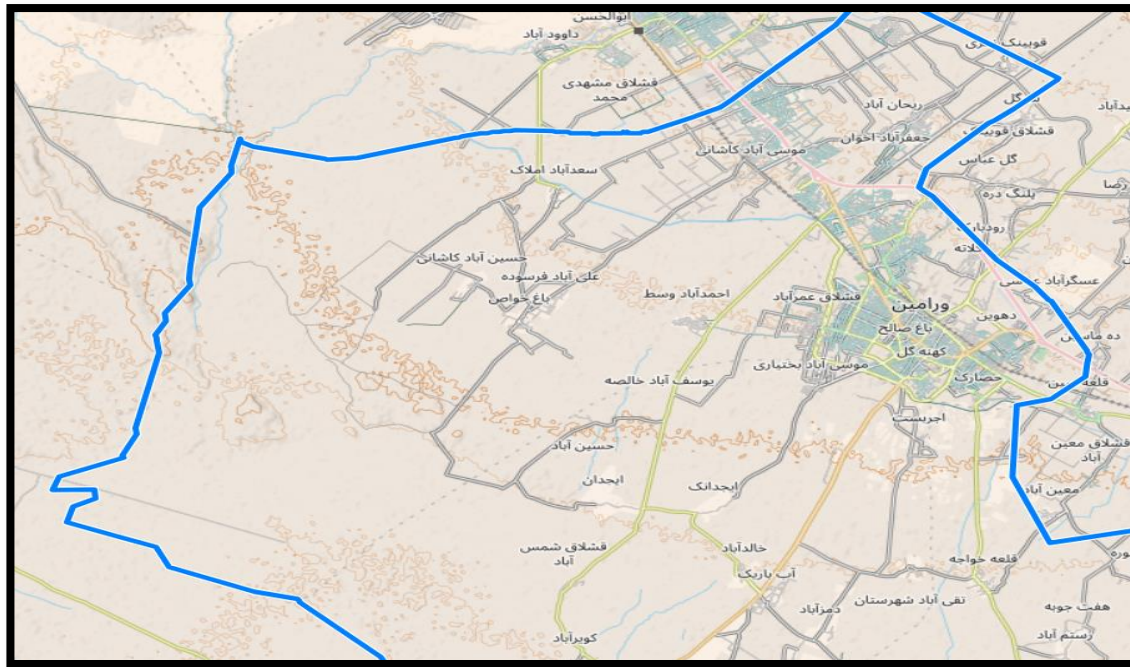
پژوهش حاضر با رویکرد کیفی و براساس نظریه داده‌بنیاد^{۱۰} اشتراوس و کربین انجام گرفته است. در این مطالعه، نظریه داده‌بنیاد مستقیم از داده‌هایی استخراج شده است که در فرایند تحقیق به‌صورت منظم گرد آمده و تحلیل شده‌اند (اشتراوس و کربین، ۱۳۹۵: ۳۴). روش جمع‌آوری داده‌ها مصاحبه نیمه‌ساختاریافته است که مشارکت‌کنندگان آن مبتنی بر نمونه‌گیری نظری^{۱۱} انتخاب شدند. برای

1. Putnam
2. Bourdieu
3. Community-Based Development
4. Development Discourse
5. Social Capital
6. Social Capacity
7. Needs-Based Approach
8. Asset- Based Approach
9. Empowerment
10. Grounded Theory
11. Theoretical Sampling

تعیین حجم مشارکت‌کنندگان نیز از معیار اشباع نظری^۱ استفاده شد. جامعه مطالعاتی نیز روستای باغخوای و علی‌آباد قشقایی از توابع بخش مرکزی شهرستان ورامین است که پدیده نزاع در آن از دهه‌های قبل وجود دارد. در این پژوهش در مجموع با ۳۶ نفر از مطلعان محلی، اعضای سازمان‌های محلی، اعضای فعلی و سابق شوراهای اسلامی و دهیاری مصاحبه شد. روستاهای باغخوای و علی‌آباد در بخش مرکزی شهرستان ورامین واقع شده‌اند و ۱۰ کیلومتر با مرکز شهر ورامین فاصله دارند. در اسناد بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، این دو روستا تا سال ۱۳۸۵، به صورت مجموعه روستایی تعریف شده‌اند. روستای باغخوای یکی از قدیمی‌ترین روستاهای ورامین محسوب می‌شود که از زمان قاجاریه به خالصه حکومتی تبدیل شد و مورد توجه حاکمان قرار گرفت (امینی، ۱۳۶۸: ۸۸). مدیریت محلی آن نیز مانند بسیاری از روستاهای دیگر به شکل مالک و کدخدا بود و در دوره جدید دارای شورای اسلامی و دهیاری شد. ساکنان آن را گروه‌هایی از تاجیک‌ها، ابوالحسنی‌ها و کریمی‌ها تشکیل می‌دهند (تاجیک، ۱۳۹۶: ۱۹۹). مطابق سرشماری ۱۳۹۵، جمعیت این روستا ۲۴۷۷ نفر بوده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵). اما براساس آمار خانه بهداشت روستا در سال ۱۴۰۳، جمعیت آن ۲۷۰۷ نفر است. ساکنان روستای علی‌آباد را که در مجاورت روستای باغخوای واقع شده است، قشقایی‌هایی تشکیل می‌دهند که اغلب در اواخر حکومت قاجار و اوایل دوره پهلوی وارد منطقه ورامین شده‌اند. این عشایر به مرور در شمال باغخوای سکونت دائمی را آغاز و روستایی به نام علی‌آباد را ایجاد کردند. مطابق سرشماری ۱۳۹۵، جمعیت این روستا ۲۵۲۲ نفر و در سال ۱۴۰۳، ۴۲۲۶ نفر است. در حال حاضر به علت مجاورت، این دو روستا تمامی امکانات و زیرساخت‌های روستایی مانند مدرسه، خانه بهداشت، منابع آب و کلاتری را به صورت مشترک استفاده می‌کنند و فقط شورای اسلامی و دهیاری مجزا دارند.



شکل ۱. موقعیت جغرافیایی شهرستان ورامین



شکل ۲. موقعیت جغرافیایی جامعه مورد مطالعه

۵. یافته‌های میدانی پژوهش

یافته‌های میدانی خام در رویکرد نظریه داده‌بنیاد با دو ابزار مقایسه و پرسش تحلیل شدند. سپس الگوهای کدگذاری^۱ شامل کدگذاری باز^۲، کدگذاری محوری^۳ و کدگذاری گزینشی^۴ درمورد آن‌ها اجرا شد. جدول ۱ مفاهیم و مقوله‌های استخراج‌شده از مصاحبه‌ها را نشان می‌دهد. بعد از مکتوب کردن داده‌های خام، مفاهیم و سپس مقوله‌ها صورت‌بندی شدند. در کدگذاری محوری، مقوله‌های اصلی به مقوله‌های فرعی مرتبط و مدل‌های متعددی ساخته شد. درنهایت در کدگذاری انتخابی، مقوله «تمایزگذاری» به عنوان مقوله مرکزی انتخاب شد. این مقوله قابلیت جذب و تعریف سایر مقوله‌ها را دارد. تمایزگذاری مقوله‌ای است که براساس آن، گروه‌ها و اهالی دو روستا دائماً در پرتو آن به دنبال تفکیک و متمایزسازی ما-آن‌ها، خودی-غیرخودی و باغخواصی-علی‌آبادی هستند که درنهایت در واکنش به آن، راهبردهای نزاع جمعی و رقابت‌های پنهان ایجاد می‌شود. در این فرایند به ۲۲ مقوله اصلی رسیدیم که در جدول ۱ قابل مشاهده است.

1. Coding
2. Open Coding
3. Axial Coding
4. Selective Coding

جدول ۱. مفاهیم و مقوله‌ها

مفاهیم	مقوله‌های فرعی	مقوله‌های اصلی
تبعیدشدن عشایر قشقایی مهاجرت گستردهٔ فامیلی جمعیت فراوان ایلی تازه‌واردبودن گروه‌ها غیربومی‌بودن نبود سکونتگاه رسمی برای قشقایی‌ها	سکونت موقتی چادرنشینی	حاشیه‌نشینی
تنوع کار و شغل تفاوت زبانی پیشینهٔ قومی متمایز یکی‌نبودن افکار گروهی سابقهٔ ایلیاتی قشقایی‌ها سابقهٔ زیست دائمی باغخواص طایفهٔ گروهی در برابر نژاد قومی تفاوت در مناسک دینی	عدم جذب اجتماعی الگوهای زیست متمایز الگوهای تعاملی متمایز زیست عشیره‌ای (قشقایی‌ها)	تقابل فرهنگی
رشد جمعیت کمبود منابع آبی کمبود مراتع مستعد عدم تخصیص حقایقهٔ سدها خشکسالی‌های مداوم ناهماهنگی فضایی وابستگی کامل به محیط	چالش‌های محیط ناترازی عرضه و تقاضا	کمیابی محیطی
پشت هم درآمدن هواخواهی‌های خاص‌گرایانه رای‌های طایفه‌ای و نژادی روستای خودی-غیرخودی تفکر ما-آن‌ها خودبرتربینی خویشاوندی و روستایی نبود بی‌طرفی گروکشی‌های روستایی	طایفه‌سالاری و نژادسالاری تعصبات بدون دلیل تمایزگذاری قومیت‌گرایی اداری رای‌های ناپاک	تعصبات درون‌گروهی مدیریت‌های طایفه‌گرایانه خاص‌گرایی
روحیهٔ بزرگ‌طلبی اجتماعی غرور طایفه‌ای احساس برگزیدگی روستایی عشق لاتی بین گروهی احترام اجباری شهرت‌طلبی روستایی گروه‌بازی‌های کاذب	کسب منزلت اجباری پذیرش اجتماعی اعتباری	کسب اجباری سرمایهٔ نمادین
توافقات ملکی شفاهی رسوم مالکیتی عرفی وقفی‌بودن اراضی و املاک	نبود اسناد رسمی قوانین عرفی قوانین مالکیتی مبهم	اختلافات ملکی و مالکیتی اختلافات مالکیت آثار باستانی اختلافات مالکیتی سازمانی و زیرساختی

مفاهیم	مقوله‌های فرعی	مقوله‌های اصلی
امکانات مشترک روستایی حدود اراضی نامشخص علاقه به مالکیت تجهیزات روستا		
داستان‌سرایي از پیشینه علاقه افراطی به تاریخ طایفه و نژاد افتخارسازی از حوادث قبل داستان‌سرایي (افتخار-انتقام) تأثیرپذیری افراطی	افتخار به تاریخ ذوب در گذشته و اتفاقات کینه‌توزی	گذشته‌نگری
آسیب‌دیدن زمین‌های کشاورزی تعطیلی بهداری و بانک دوره‌گردی کسبه ازبین‌رفتن جاده‌ها زدوخوردهای روستایی حکومت‌نظامی	تهدید اندوخته‌های اقتصادی تخریب زیرساخت‌ها آسیب‌های فیزیکی تنش‌زایی	تخریب‌گری نابودی دارایی‌های بومی
چشم و هم‌چشمی کارشکنی اداری سلب امتیاز اداری چوب لای چرخ گذاشتن احساس خطر از پیشرفت دیگری حذف نام دیگری	نگاه منفی تعاملی کنشگری سلبی نبود وفاق بین‌روستایی نبود هم‌افزایی روستایی عدم همکاری نگاه منفی به سازمان‌های محلی	رقابت‌طلبی لای‌گری نبود روحیه مشارکتی بی‌اعتمادی نهادی
مهاجرت گوشه‌نشینی افراد بی‌خیالی بی‌مسئولیتی بی‌انگیزی عدم بهره‌گیری از افراد	نبود همیاری اجتماعی سلب مسئولیت اجتماعی عدم مشارکت اجتماعی فرصت‌سوزی	گسست ظرفیت‌های اجتماعی تهدید سرمایه انسانی راکد ماندن طرح‌های سازمانی نارسایی مدیریت روستایی
بخش‌شدن روستا شورای اسلامی واحد یکی‌شدن دو روستا	یکپارچگی مدیریت محلی مدیریت واحد مدیر غیربومی	نهادخواهی

پس از کدگذاری و استخراج مقوله‌های فرعی و اصلی، زمینه و فرایند ترکیب شدند. این اقدام به تحلیل‌گر کمک می‌کند تا به‌وسیله الگوهای فکری، پیچیدگی‌های میدان و آنچه در جریان است درک شود. در ادامه، مبتنی بر یافته‌های میدانی این الگو تشریح می‌شود.

۵-۱. شرایط علی مؤثر بر مقوله مرکزی تمایزگذاری (خودی-غیرخودی)

عواملی که موجب پیدایش تمایزگذاری جمعی بین دو روستای باغخواص و علی‌آباد قشقایی شده شامل «تفاوت فرهنگی»، «تعصبات درون‌گروهی»، «کمیابی»، «حاشیه‌نشینی»، «اختلافات ملکی»، «کسب سرمایه نمادین» و «گذشته‌نگری» است. تفاوت فرهنگی میان عشایر قشقایی و ساکنان روستای باغخواص اولین مؤلفه در ایجاد وضعیت تمایزگذاری و نزاع بین دو روستا است، این تفاوت

فرهنگی نشست گرفته از شیوه‌های زیست و الگوهای فرهنگی نهاده‌شده هریک از این گروه‌ها است. عشایر قشقایی کوچ‌نشینانی در منطقه فارس بودند که به‌صورت خویشاوندی در چادرهای مخصوص زندگی می‌کردند. این شیوه زیست، الگوهایی فرهنگی در مناسک دینی و عرفی ایجاد می‌کند که در شکل وسیعی با شیوه زیست یکجانشین و کشاورزمحور باغخواس در تعارض است. در این زمینه مصاحبه‌شونده ۳ می‌گوید: «وقتی پدر بزرگ من آمد اینجا، تعریف می‌کرد که اینجا احساس بدی داشتیم. اول چون با باغخواس‌ها بیشتر چیزهایمان زبان و شکل زندگی‌مان مثلاً فرق داشت.» مصاحبه‌شونده ۱۲ نیز اظهار می‌کند: «ما خیلی وابسته به زمین بودیم، ولی آن‌ها (عشایر قشقایی) کمتر. نوع زندگی ما خیلی با آن‌ها فرق داشت.» سکونت این عشایر در شمال روستای باغخواس ایجادکننده پدیده حاشیه‌نشینی در مقابل سکونتگاه مرکزی باغخواس است؛ چرا که در درون اراضی و مراتع کشاورزی باغخواس و در نزدیکی قنات‌ها و چاه‌های آب، سرمایه‌گذاری‌های فیزیکی صورت گرفت. در این زمینه نیز مصاحبه‌شونده ۱۵ توضیح می‌دهد: «ما (قشقایی‌ها) در شمال باغخواس و در کنار مراتع و مزارع آن‌ها چادر زدیم و زندگی موقت داشتیم.» ورود نیروی گسترده عشایر قشقایی از عرصه دامپروری به عرصه کشاورزی که وابستگی تمام‌عیاری به موقعیت فیزیکی دارد، چالش‌ها و درگیری‌هایی را بین کدخداها ایجاد می‌کند. این درگیری‌ها بر سر منابع کمیاب و باارزش مانند دسترسی به حقابه کشاورزی و زمین‌های مرغوب رخ می‌دهد. مصاحبه‌شونده ۲۵ می‌گوید: «زمین به‌دردبخور کم بود یا نبود. گوسفندها و دام‌ها می‌آمدند در زمین‌های مرغوب. وقتی این می‌شد دو طرف می‌افتادند به جون هم.» در دوران حاضر نیز نزاع‌ها نه در نمود فیزیکی آن، بلکه در شکل رقابت، در عرصه منابع کمیاب همچنان وجود دارد، مانند درگیری بر سر منابع آب و اراضی مسکونی.

اختلافات ملکی دیگر شرط علی مؤثر بر پدیده تمایزگذاری است. این مؤلفه بیانگر وضعیتی است که تعارضات ملکی اعم از حدود و ثغور اراضی روستایی، زمین‌های کشاورزی، اماکن و زیرساخت‌های روستایی و آثار باستانی به چالشی بین روستایی تبدیل می‌شود. مصاحبه‌شونده ۱۷ در این زمینه بیان می‌کند: «تعارضاتی در حدود مرز ملکی بوده از قبل، هنوز هم حل نشده. از قدیم که بین کدخدا و اهالی بود و باعث جنجال شد و الان بر سر امام‌زاده، ورزشگاه و مدرسه است.» شرط علی مؤثر دیگر بر پدیده تمایزگذاری، تعصبات درون‌گروهی است. بدین طریق که افزایش احساسات و عواطف گروهی سبب می‌شود انسجام اجتماعی بین گروه‌های روستایی تضعیف شود. فضای دوستی، صمیمیت و مشارکت، در درجه اول به همبستگی درونی و سرمایه اجتماعی درون‌گروهی و سپس به تنش و تخریب‌گری تبدیل شود. مصاحبه‌شونده ۹ می‌گوید: «هرکس فکر می‌کند عقل کل است و گروه و روستای خودش هم همین‌طور. خویشاوندپرستی وجود دارد و همین باعث شده گفتگو و مشارکت بین این دو روستا کم باشد یا اصلاً نباشد.» گذشته‌نگری و کینه‌توزی نیز همواره عاملی اثرگذار است. گروه‌های روستایی با اتخاذ دیدگاهی خاص‌گرایانه همواره وقایع تلخ گذشته از قبیل درگیری‌ها، تنش‌ها و نزاع‌ها را در رویدادهای جاری دخالت می‌دهند. آخرین مؤلفه‌ای که بر پدیده تمایزگذاری مؤثر است، کسب سرمایه نمادین است. این مقوله وضعیتی را نشان می‌دهد که گروه‌هایی از دو روستا برای کسب اعتبار و منزلت اجباری و بزرگ‌منشی، اقدام به فعالیت‌های خشونت‌آمیز می‌کنند.

۵-۲. پدیده ناشی از شرایط علی

عوامل ساختاری-محیطی موجود در اجتماع محلی مورد مطالعه سبب ایجاد پدیده فراگیر تمایزگذاری بین اهالی دو روستا شده است. این مقوله بیش از هر چیز به‌وجودآورنده روحیه ما-آن‌ها و خودی-غیرخودی در بستر اجتماعی دو روستا است و در تحلیل نهایی به‌عنوان کانونی‌ترین مقوله در تبیین منشأ نزاع‌ها و رقابت‌های اهالی روستای باغخواس و علی‌آباد شناخته شد. تمایزگذاری به‌مثابه

فرایندی مخرب، تعاملات، همکاری‌ها و سرمایه‌های اجتماعی روستایی را صرفاً در قالب‌های محدود و خودی تفسیر می‌کند، مانع انباشت ظرفیت‌های اقتصادی و اجتماعی جلوگیری می‌شود و سایر عوامل اختلاف را تشدید می‌کند.

۵-۳. زمینه راهبردهای تمایزگذاری

اتخاذ و توسعه راهبردهای مربوط به پدیده تمایزگذاری به زمینه پدیده بستگی دارد. تازه‌وارد بودن عشایر قشقایی به این منطقه، زیست حاشیه‌نشینی در سالیان ابتدایی، مدیریت محلی طایفه‌گرایانه و خصوصیات نخبگان سنتی بر راهبردهایی که ساکنان دو روستا برای واکنش به تمایزگذاری اتخاذ کردند، مؤثر بود. اساساً تازه‌وارد بودن این عشایر نسبت به ساکنان بومی از جانب اهالی باغخواص به مثابه تهدید مشاهده شد و نوع تعاملات، آن‌ها را به سمت خشونت و نزاع شدید کشاند. همچنین نوع و محل سکونت این گروه در اطراف روستا که حالت حاشیه‌نشینی دارد، بر نوع تعامل آن‌ها تأثیر منفی گذاشته و نزاع نشئت گرفته از عوامل علی را تشدید کرده است. مصاحبه‌شونده ۲۱ توضیح می‌دهد: «مسئله ما در سال‌های اولی که به اینجا آمدیم شکل زندگی مان بود. ما مثل قبل چادر زدیم و در شمال روستای باغخواص شروع کردیم به دامپروری. گاو و گوسفند داشتیم و زندگی می‌کردیم. ولی باغخواصی‌ها چون از قبل ساکن بودند، جور دیگری به ما نگاه می‌کردند و همین عامل درگیری بود.»

در سالیان اخیر نیز مدیریت‌های محلی طایفه‌گرایانه و خصوصیات نخبگان نیز بر اتخاذ راهبردها نسبت به پدیده اثرگذار بوده است. مدیریت‌های محلی طایفه‌گرا همواره بر میزان و شدت این پدیده و راهبردهای آن مؤثر بوده است. بدین معنا که هر زمانی که در سطح نهادی مدیریت‌های محلی گرایش‌های طایفه‌گرایانه داشته‌اند، نزاع‌های جمعی بین روستایی شدت بیشتری داشته و راهبردها نیز متفاوت بوده است. مصاحبه‌شونده ۱۱ می‌گوید: «طایفه‌بازی قدیم بود. الان رفته تو کارهای کاغذبازی‌ها. شوراها با همین چیزها می‌آیند سر کار و براساس گروه خودشان کار می‌کنند.» از طرف دیگر خصوصیات نخبگان سنتی نیز بر این پدیده مؤثر بوده است. به این شکل که همواره اگر نخبگان سنتی نقش بزرگ‌منشی و عرفی خود را داشتند، بر پدیده تمایزگذاری و شدت آن اثر منفی داشت و در قالب رویکردهای مصلحت‌نگرانه، نزاع‌ها مدیریت می‌شود. همچنین هنگامی که مدیران سنتی نقش گروه‌های فرصت‌طلب برای کسب منافع خویش را داشته‌اند، تمایزات ما-آن‌ها شدیدتر رخ داده و راهبردها هم به شکلی گسترده‌تر اتخاذ شده است.

۵-۴. شرایط مداخله‌گر مؤثر بر راهبردها

شرایط مداخله‌گر عواملی را دربرمی‌گیرند که از یک سو بر اتخاذ راهبردها مؤثر هستند و از سوی دیگر شرایط علی را تخفیف یا به نحوی تغییر می‌دهند. این شرایط عبارت‌اند از: زیست عشیره‌ای، تفاوت شغلی و زبانی، خاص‌گرایی، بی‌اعتمادی و خودبرتربینی. شرایط مداخله‌گر زیست عشیره‌ای (علی‌آباد) و طایفه‌ای (باغخواص) در سطح خرد موجب اتخاذ راهبرد نزاع جمعی بوده و در سطح نهادی تمایل بیشتری به راهبرد رقابت‌طلبی در قالب تعطیلی سازمان‌ها و عدم همکاری و تمایل کمتری به اتخاذ راهبرد کنشگری نخبگان سنتی داشته است. تفاوت‌های شغلی و زبانی نیز گرایش به راهبردهای نزاع و رقابت را تقویت کرده‌اند و افراد تمایل کمتری به اتخاذ راهبرد حمایت‌گری در قالب مدیریت واحد داشته‌اند. بدین معنا که تفاوت‌های شغلی و زبانی همواره بر گرایش‌های ما-آن‌ها و راهبردهای تمایزگذار بین گروه خودی و غیرخودی تأثیر دارد و آن را تقویت می‌کند و راهبردهای گرایش به مدیریت محلی یکپارچه بین روستایی را کاهش می‌دهد. از جمله شرایط مداخله‌گر دیگر خاص‌گرایی است که بیانگر نوع نگاه کل‌گرا به افراد و گروه‌های اجتماعی مبتنی بر عقبه و پیشینه آن‌ها است. این پدیده در مواردی سبب گرایش به راهبرد رقابت‌طلبی در قالب گروه‌های طایفه‌ای شده که خود عاملی در ایجاد تنش و رفتارهای خشونت‌آمیز بین دو روستا است. نگاه‌های خاص‌گرای طایفه‌مدار به شدت در راستای محدودسازی شبکه روابط ضعیف حرکت

می‌کند و افراد را به‌مثابه گروه‌های اجتماعی روستایی بازشناسی می‌کند. بی‌اعتمادی نیز شرط مداخله دیگری است که همواره بر گرایش به راهبرد عدم همکاری و عدم تمایل به راهبرد حمایت‌گری و مدیریت‌های یکپارچه تأکید داشته است.

۵-۵. راهبردهای مربوط به تمایزگذاری (خودی-غیرخودی)

این راهبردها به دو دسته راهبردهای نزاع جمعی-رقابت‌طلبی و راهبردهای حمایت‌گری قابل‌تقسیم است. در وضعیت تمایزگذاری خودی و غیرخودی، اهالی دو روستا برای دستیابی به اهداف خود راهبرد نزاع جمعی-رقابت‌طلبی را دنبال می‌کنند. در بستر نزاع‌های جمعی، علاوه بر گروه‌های درگیر، همواره گروه‌های دیگری هستند که به‌علت گرایش‌های خاص‌گرایانه طایفه‌ای باید نسبت خود را با نزاع مشخص سازند. راهبردهای رقابت‌طلبی را بیشتر این گروه‌ها در امتداد نزاع جمعی و در واکنش به آن اتخاذ می‌کنند. تنش‌زایی با اقداماتی نظیر اختلاف‌افکنی مجدد و دامنه‌دارترکردن آن از طریق فضای مجازی، کشاندن موضوع نزاع به سایر عرصه‌ها مانند تنش بین هیئت امنای مساجد و هیئت و شوراهای دو روستا صورت می‌گیرد. راهبرد دیگری که این گروه متأثر از مدیریت‌های محلی طایفه‌گرایانه اتخاذ می‌کنند، گروکشی طایفه‌ای است. این راهبرد بیانگر وضعیتی است که طرف‌های درگیر روستایی در نزاع، دامنه آن را به تمامی حوزه‌ها بسط می‌دهند؛ مانند عکس‌العمل به نزاع‌ها در قالب برهم‌زدن خویشاوندی‌های سببی و قطع همکاری‌های گروه‌های روستایی با سازمان‌های محلی خاص. مصاحبه‌شونده ۴ می‌گوید: «وقتی درگیری می‌شود، دیگر انگار همه چیز خراب می‌شود. از ارتباطات فردی تا خانوادگی و روستایی و شوراهای دهیاری‌ها».

راهبرد دیگری که توسط گروه‌های روستایی اتخاذ شده حمایت‌گری است. این راهبرد به‌ویژه زمانی برگزیده می‌شود که نخبگان سنتی دو روستا با تکیه بر تعاملات و ارتباطات عرفی و سنتی که از گذشته در جریان بوده، در جهت مصلحت‌نگری‌های بزرگ‌منشانه، اقدام به حمایت‌گری و همکاری با یکدیگر در زمینه آداب‌ورسوم دینی می‌کنند. چنین تعاملاتی در واکنش به نزاع‌های جمعی، مدیریت‌های محلی طایفه‌گرایانه و بی‌اعتمادی عمومی و نهادی ایجاد می‌شود و کنشگران اصلی آن نیز صرفاً گروهی از ریش‌سفیدان هستند. مصاحبه‌شونده ۸ اظهار می‌کند: «گر بخواهیم یک چیز را که درگیری‌ها بر آن اثر اندک داشته بگوییم، ارتباطات و مراسم‌های دینی بوده که دو روستا با هم دارند. بزرگ‌ترها همیشه پل ارتباطی دو روستا بوده‌اند برای این اقدامات».

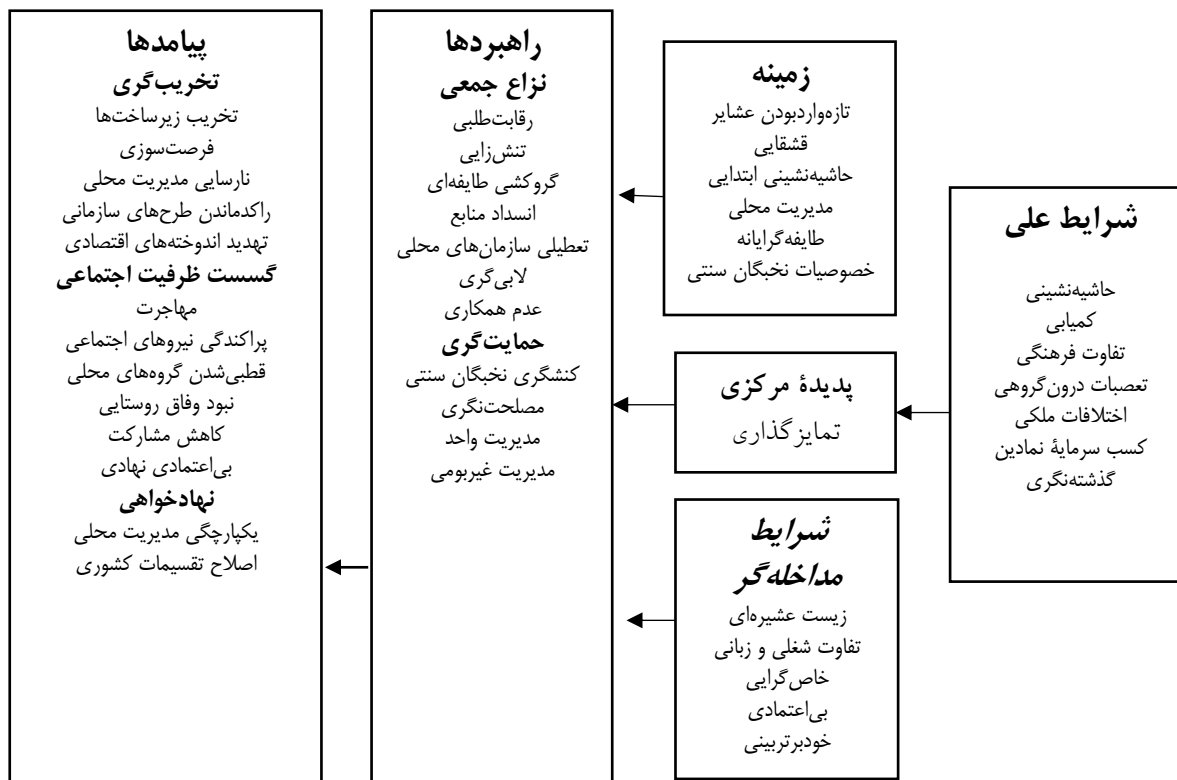
۵-۶. پیامدهای راهبردها

راهبردهایی که اهالی دو روستا در قبال تمایزگذاری اتخاذ کرده‌اند، پیامدهای خواسته و ناخواسته‌ای برای آن‌ها و روستا داشته است. این پیامدها شامل تخریب‌گری، گسست ظرفیت‌های اجتماعی و نهادخواهی هستند. تخریب‌گری به وضعیتی اشاره دارد که در آن سرمایه و منابع انسانی-فیزیکی دو روستا تخریب می‌شود و کارایی خود را از دست می‌دهد. تخریب زیرساخت‌ها اولین پیامد اتخاذ راهبرد نزاع جمعی و رقابت‌طلبی است. این تخریب‌ها در ادوار مختلف نزاع‌های جمعی رخ داده که بر سر زمین‌های کشاورزی، مغازه‌ها، قنات‌ها، کانال‌های انتقال آب، انبار کودهای کشاورزی و سازمان‌های محلی مانند خانه بهداشت و بانک بوده است. با ازبین‌رفتن این زیرساخت‌ها، اندوخته‌های اقتصادی اهالی روستا از بین رفت و شرایط برای رشد و ارتقای روستایی مختل شد. فرصت‌سوزی در زمینه‌های مختلف به‌وجود آمد، طرح‌های عمرانی بسیاری به‌علت این شرایط اجرایی نشد و اجرای آن با اختلال مواجه شد. طرح ساخت مسکن مهر به‌علت رقابت‌ها در این منطقه اجرایی نشد، طرح منبع آب در سال گذشته بعد از چند دوره اختلاف به‌صورت ناقص اجرا شد و طرح مرمت جاده روستایی با چالش‌های فراوان و کشاکش‌های روستایی ناتمام ماند. پیامد دیگر اتخاذ راهبردها گسست

ظرفیت‌های اجتماعی بوده است. این وضعیت بیانگر نبود سرمایه اجتماعی و پراکندگی ظرفیت‌های اجتماعی در بین دو روستا است که مهم‌ترین مؤلفه در توسعه اجتماع محلی به‌شمار می‌رود.

اگر پیامدهای تخریب‌گری زمینه را برای رشد عمرانی دو روستا با کندی مواجه کرده، پیامد گسست ظرفیت‌های اجتماعی، عاملی در تشتت نیروها، بی‌اعتمادی و نبود ظرفیت‌های اجتماعی و عدم تجمع آن‌ها است که در نتیجه آن، مؤلفه‌های اصلی توسعه اجتماع محلی با چالش مواجه شده است. در همین زمینه مهاجرت اساساً یکی از پدیده‌های بسیار همه‌گیر در دو روستای نامبرده است که به‌علت شرایط تنازع‌برانگیز روستایی اتفاق افتاده است. این پدیده در روستای باغخوای به‌علت آسیب‌دیدگی زیاده‌تر این روستا از نزاع‌ها بیشتر مشاهده می‌شود. از سوی دیگر همکاری، تعامل و مشارکت کنشگران محلی به‌عنوان پیشران‌های توسعه اجتماع محلی در این منطقه به‌شدت آسیب دیده است. راهبردهای نزاع و رقابت موجب پیامدهایی مانند پراکندگی نیروهای اجتماعی و در مواردی قطبی‌شدن آن‌ها علیه یکدیگر شده و زمینه هرگونه کنشگری فعالانه، مثبت و گفتگو محور برای حل مسائل را منتفی کرده است. این نیروها در نقشه راه توسعه محلی، عاملان اصلی هستند که در شرایط حاضر در روستای مورد مطالعه از میدان فاصله گرفتند.

آخرین پیامد اتخاذ راهبردها، نهادخواهی است. نهادخواهی پیامدی است ناظر بر راهبردهای حمایت‌گری که بر روش‌های کاهش‌دادن نزاع‌ها و آسیب‌های آن متمرکز است. نهادخواهی بیانگر وضعیتی است که کنشگران محلی را به‌سمت ایجاد مدیریت محلی یکپارچه و دوری از مدیریت‌های طایفه‌گرایی سستی پیش می‌برد.



شکل ۳. مدل پارادایمی

۶. بحث و نتیجه‌گیری

نزاع دسته‌جمعی یکی از چالش‌ها و مسائل دامنه‌دار اجتماعی است که تاکنون در اجتماعات محلی به‌خصوص مناطق روستایی به اشکال و دلایل گوناگون دیده شده است. این پدیده به شکل دامنه‌داری از دهه‌های قبل بین دو روستای باغخواص و علی‌آباد در شهرستان ورامین مشاهده می‌شود که آسیب‌های فراوانی نیز بر جای گذاشته است. مسئله پژوهش حاضر در درجه اول واکاوی منشأ این پدیده در بین دو روستاهای نامبرده و اثرات آن بر توسعه اجتماع محلی بود. در کنار این مسئله، پژوهش حاضر به دنبال ارائه راهکارهایی برای کنترل و کاهش این پدیده در بافت مورد نظر نیز بود.

منشأ نزاع‌های جمعی در بین دو روستای نامبرده، در درجه اول، تفاوت فرهنگی بین عشایر قشقایی و ساکنان بومی باغخواص بوده است، این تفاوت فرهنگی در الگوهای زیست، زبان و شغل در سال‌های ابتدایی ورود این عشایر به شمال روستای باغخواص، عاملی در نزاع‌های جمعی بین‌روستایی بوده است. بدین معنا که حوزه فرهنگ و الگوواره‌های ارزشی و هنجاری آن، یکی از عوامل زمینه‌ساز نزاع جمعی بین دو روستا بوده است. از طرف دیگر در حوزه اقتصاد، کمیابی و اختلافات ملکی و مالکیتی همواره حوزه‌ای چالش‌برانگیز در روابط دو روستا از گذشته تا امروز بوده است. حوزه‌های کمیابی در گذشته شامل زمین‌های مستعد کشاورزی، چراگاه دام و حقابه‌های مزارع بوده و در دوران حاضر به‌علت عدم تخصیص حقابه‌های سد لار و ماملو و همچنین منبع آب آشامیدنی ادامه دارد. اختلافات ملکی در گذشته به‌علت رواج فرهنگ دادوستد شفاهی و اجرای امور وفق نظر کدخدا، همواره عامل نارضایتی و درگیری‌های بین‌روستایی شده است. اکنون با توجه به ایجاد سیستم‌های مدیریت محلی نوین، اختلافات ملکی به اختلافات مالکیتی تجهیزات و زیرساخت‌های روستایی مانند مدارس، کلانتری، ورزشگاه و امام‌زاده بین دو روستا تبدیل شده است. در حوزه تعاملات اجتماعی نیز تعصبات طایفه‌ای (باغخواص) و نژادی (علی‌آباد) عامل دیگری از بسط سرمایه اجتماعی درون‌گروهی و نزاع‌های روستایی شده است. کسب سرمایه نمادین، دیگر عامل نزاع‌های بین‌روستایی است. گروه‌هایی همواره با اقتدارگرایی کاذب که بیشتر به پشتوانه سنت‌های پیشینشان است، سعی در کسب اعتبار اجباری برای خود می‌کنند که موجب درگیری با دیگر گروه‌ها در روستای دیگر می‌شود.

نتایج پژوهش حاضر نشان داد پدیده نزاع جمعی در روستای باغخواص و علی‌آباد، به شکل فیزیکی آن قابل‌تقلیل نیست. رقابت‌طلبی شکلی از نزاع است که هم به‌عنوان نتیجه نزاع و هم در بعضی موارد به‌صورت منشأ آن در سال‌های اخیر عمل کرده است. این پدیده، هم در سطح عمومی بین اهالی دو روستا و هم در سطح نهادی بین شوراهای اسلامی روستا و دهیاری‌ها، صورتی از چانه‌زنی و لابی‌گری علیه یکدیگر را ایجاد کرده و مانع همکاری، تعامل و مشارکت شده است. در اثر این پدیده، نزاع جمعی شکلی نرم به خود گرفته و گروه‌های روستایی را بر آن داشته است تا به‌جای کسب امتیاز برای خود، به دنبال سلب امتیاز از روستای دیگر باشند. در این شرایط، تنها عرصه تعامل دو روستا عرصه مناسب دینی با کنشگری ریش‌سفیدان است. میدان‌هایی نظیر مناسک محرم و ماه رمضان تنها عرصه ارتباطی مثبت بین دو روستا است که نزاع‌های محلی اثر چندانی بر آن نداشته است.

نزاع جمعی و رقابت‌طلبی‌ها آثار متعددی بر توسعه اقتصادی و اجتماعی دو روستا داشته است. تخریب‌گری، آسیب‌دیدن زیرساخت‌ها و فرصت‌سوزی‌ها از آثار منفی نزاع‌ها در شکل فیزیکی برای دو روستا بوده است. تخریب جاده‌ها، زمین‌های کشاورزی، کانال‌های آب و قنات‌ها جزو ابعاد تخریبی در زیرساخت‌ها است. این پیامدها در درازمدت به‌شدت بر ابعاد توسعه اقتصادی و فیزیکی دو روستا اثر منفی داشته است. از دیگر آسیب‌ها، فرصت‌سوزی‌های متعددی است که برای دو روستا به‌واسطه شرایط تضادی و

پساتضادی رخ داده است. این فرصت سوزی‌ها در مواردی مانند سلب امتیاز بخش‌شدن دو روستا، لغو پروژه مسکن مهر و تعطیلی واحدهای متعدد تولیدی است که خود به‌عنوان عاملی در نارسایی‌های مدیریت محلی و انسداد طرح‌های توسعه‌ای عمل کرده است. از دیگر آثار منفی این نزاع‌ها و رقابت‌ها که معطوف به جریان‌های اجتماعی و توسعه اجتماع محلی است، پدیده مهاجرت، گسست ظرفیت‌های اجتماعی، کاهش مشارکت و بی‌اعتمادی نهادی است که به‌شدت سبب تخریب سرمایه اجتماعی و ظرفیت‌های اجتماعی به‌عنوان پیشران‌های توسعه اجتماع محلی شده است. اولین مؤلفه در این حوزه، پدیده مهاجرت است. در اثر این پدیده بسیاری از افراد و گروه‌های محلی از هردو روستا مجبور به ترک روستا شدند. از طرف دیگر نزاع‌ها و رقابت‌ها به‌عنوان عاملی در تشتت گروه‌ها و ظرفیت‌های محلی عمل کرده و موجب عدم همکاری گروه‌های مختلف روستایی و شوراهای دو روستا شده است. بدین نحو ظرفیت‌های اقتصادی و اجتماعی یا مجبور به ترک روستا شدند یا به‌علت عدم وفاق روستایی در جریان‌های تعصبی و خویشاوندمحورانه تحلیل رفته‌اند. براساس یافته‌های پژوهش، پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود:

نتایج نشان می‌دهد مهم‌ترین راهبردها برای کنترل نزاع‌ها و رقابت‌های محلی، تغییر شیوه‌ها و نوع محصول کشاورزی، نهادخواهی و بسط الگوی موفق تعاملات سنتی-مناسکی به عرصه‌های رقابت‌آمیز است. پیشنهاد می‌شود در عرصه کشاورزی، تغییر از غله و صیفی‌کاری به محصولات کم‌آب و پربازده مانند کشت زیتون و پسته‌کاری صورت بگیرد. این اقدام نیازمند حمایت‌های سازمانی جهاد کشاورزی است. چنین تغییری می‌تواند از نزاع‌ها بر سر منابع آبی بکاهد و انطباق بیشتری با شرایط اقلیمی بافت مورد مطالعه به‌عنوان محیطی خشک دارد.

نهادخواهی مؤلفه دیگری است که مشارکت‌کنندگان پژوهش از آن به‌عنوان راهکار سیاسی رفع نزاع‌ها و رقابت‌های اداری نام بردند. به این نحو که با تبدیل این دو روستا به بخش واحد، زمینه‌های لابی‌گری، چانه‌زنی منفی، عدم همکاری نهادی و کارشکنی‌های ناشی از آن کاهش پیدا کند.

یافته‌های میدانی پژوهش نشان می‌دهد تنها حوزه تعاملی دو روستا قلمرو مناسک دینی مانند عزاداری‌های محرم و صفر با کنشگری نخبگان سنتی است، پیشنهاد می‌شود این الگوی موفق در سایر عرصه‌ها نیز به‌کار گرفته شود. مشارکت‌کنندگان در پژوهش بیان کردند همواره گروه‌هایی از افراد مرجع مانند روحانیان، شعرا و نویسندگان در این دو روستا وجود دارند که مورد احترام تمامی گروه‌های دو روستا هستند. استفاده از ظرفیت آن‌ها و به‌کارگیری آن‌ها می‌تواند عاملی در جهت افزایش تعاملات و ارتباطات دو روستا باشد که می‌تواند حوزه‌های تعاملی را در ابعاد دیگری گسترش دهد.

مأخذ مقاله: مستخرج از رساله دکتری نویسنده اول با عنوان «مطالعه جامعه‌شناختی نزاع‌ها و رقابت‌های محلی و اثرات آن بر توسعه اجتماع محلی؛ مورد مطالعه: روستای باغ خواص و علی‌آباد قشقایی‌ها از توابع شهرستان ورامین»، گروه توسعه اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران. در این مقاله تعارض منافی وجود ندارد.

منابع

- اشتراوس، انسلم و کرین، جولیت (۱۳۹۵). *میانی پژوهش کیفی: فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای*، ترجمه ابراهیم افشار، تهران: نی امینی، محمد (۱۳۶۸). *تاریخ اجتماعی ورامین در دوره قاجاریه*، تهران: افست
- بورديو، پی‌یر (۱۳۹۳). *نظریه کنش: دلایل عملی و انتخاب عقلانی*، ترجمه مرتضی مردیپا، تهران: نقش و نگار
- بیرو، آلن (۱۳۷۵). *فرهنگ علوم اجتماعی*. ترجمه باقر ساروخانی. تهران: کیهان.
- پروانه، سجاد (۱۳۹۹). *مطالعه جامعه‌شناختی پدیده نزاع در شهرستان گیلانغرب با روش زمینه‌ای*. *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*. دانشکده علوم انسانی دانشگاه آیت‌الله بروجردی.
- تاجیک، علیرضا و عطری، زهرا (۱۳۸۶). *آثار تاریخی ورامین باستان*، قم: مهramیرالمومنین
- تریانیدیس، هری چارا لامبوس (۱۳۸۸). *فرهنگ و رفتار اجتماعی*. ترجمه نصرت فتی. تهران: رسانش.
- جعفری‌مقدم، حسن (۱۴۰۲). *بررسی عوامل اجتماعی نزاع فردی در شهر بیرجند*. *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*. دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه سیستان و بلوچستان.
- جهانی، اسماعیل و حیدری، حسین (۱۴۰۳). *رابطه شاخص‌های کلان اقتصادی با نزاع جمعی، پژوهش انحرافات و مسائل اجتماعی*، ۷(۳)، ۱-۳۰. <https://dorl.net/dor/20.1001.1.3060821.1402.3.7.4.3>
- چمتوئی، علی (۱۴۰۲). *اتیولوژی اجتماعی-فضایی نزاع و درگیری در رشت*. *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*. دانشکده ادبیات و علوم انسانی. دانشگاه گیلان.
- چیتامبار، جان‌بندیک (۱۳۸۵). *مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی روستایی (با تأکید بر جامعه‌شناسی روستایی)*. ترجمه احمد حجاران و مصطفی ازکیا. تهران: نشرنی.
- درویشی، زهرا (۱۳۹۴). *مطالعه ریشه‌ها و پیامدهای وقوع نزاع دسته‌جمعی*. *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*. دانشکده علوم اجتماعی. دانشگاه تهران. <https://doi.org/10.22059/jrd.2000.76738>
- رحمتی، منصور و یزدانی، محمد حسن (۱۴۰۰). *شناسایی عوامل مؤثر بر وقوع جرم درگیری، برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی*، ۱۶(۱)، ۱۹۰-۱۷۵. <https://dorl.net/dor/20.1001.1.25385968.1400.16.1.12.5>
- شیخ طاهری، محمدرضا و فیروزآبادی، سیداحمد (۱۴۰۳). *نزاع در ایران (سنخ‌شناسی، بستر و علل و عوامل غالب)*. *مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، ۱۳(۳)، ۳۹۰-۳۶۹. <https://doi.org/10.22059/jisr.2024.376824.1505>
- طالب، مهدی و درویشی، زهرا (۱۳۹۸). *ریشه‌یابی نزاع‌های دسته‌جمعی بین چند نسل، توسعه محلی (روستایی-شهری)*، ۱۱(۲)، ۲۹۳-۳۱۲
- عشایری، طاها و جهان‌پرور، طاهره (۱۴۰۲). *مطالعه جامعه‌شناختی اثر طایفه‌گرایی بر نزاع جمعی، فراتحلیل پژوهش‌ها*. *توسعه محلی (روستایی-شهری)*، ۱۵(۲۱)، ۱۹۷-۲۱۶. <https://doi.org/10.22059/jrd.2023.352188.668778>
- عنبری، موسی (۱۳۹۷). *جامعه‌شناسی توسعه از اقتصاد تا فرهنگ*، تهران: سمت
- فروزنده، طیبه (۱۴۰۲). *تاثیر جرایم ناموسی بر نزاع دسته‌جمعی در کهکیلویه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، دانشکده علوم انسانی، موسسه آموزش عالی دانا.
- کامپنهود، لوک وان و کیوی، ریموند (۱۳۷۰). *روش تحقیق در علوم اجتماعی*، ترجمه حسین نیک‌گهر، تهران: توتیا
- کوزر، لوئیس ای و روزنبرگ، برنارد (۱۳۹۸). *نظریه‌های بنیادین جامعه‌شناسی*. ترجمه فرهنگ ارشاد. تهران: نشرنی.
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۵). *نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن*
- می‌یر، پیتر (۱۳۶۸). *جامعه‌شناسی جنگ و ارتش*. ترجمه علیرضا ازغندی و محمدصادق مهدوی. تهران: قومس.

نمکی، آزاد، فاضلی، محمد و احمدی، یعقوب (۱۴۰۲). تضادهای قومی: تدوین یک شاخص جامع فرهنگی. *مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، ۱۳ (۱)، ۳۳-۱۷. <https://doi.org/10.22059/jisr.2024.369594.1468>
وبر، ماکس (۱۳۸۸). *مفاهیم اساسی جامعه‌شناسی*. ترجمه احمد صدارتی. تهران: مرکز.

References

- Agbola, T., & Alabi, M. (2003). Political Economy of Resources Development, Environmental Injustice and Selective Victimization: A Case Study of the Niger Delta Region of Nigeria in Agyeman, J., Bullard, R.D. & Evans, B.(eds), *Just Sustainabilities: Development in an Unequal World*, London: Earthscan. 270-288.
- Amini, M. (1989). *Social history of Varamin during the Qajar period*, Tehran: Afst. (In Persian)
- Anbari, M. (2018). *Sociology of development from economics to culture*, Tehran: samt. (In Persian)
- Ashayeri, T., & Jahanparvar, T. (2023). Sociological Study Of effect Of tribalism On communal Strife: Meta analysis of researchec. *Journal of Community of development*, 15(1). <https://doi.org/10.22059/jrd.2023.352188.668778> (In Persian)
- Azam, M., & Hunjra, A. (2023). Role of ethnic conflicts, regularization and natural resource abundance in sustainable development. *Resources Policy*, 85(PartB). <https://doi.org/10.1016/j.resourpol.2023.103936>
- Birou, A. (1996). *Social Science Culture*. Translated by: B. Sarukhani. Tehran: Keyhan. (In Persian)
- Bourdieu, P. (2014). *Theory of Action: Practical Reasons and Rational Choice*, translated by Morteza Mardiha, Tehran: Naqsh-e-Negar. (In Persian)
- Camphenhood, L., & Kiwi, R. (1991). *Research Methodology in Social Sciences*, translated by Hossein Nik-Gohar, Tehran: Totia. (In Persian)
- Chambers, R. (1997), whose reality counts? Putting the first last. London intermediate Technology Publications.
- Chamtoyi, A. (2022). Socio-spatial etiology of conflict in Rasht. *Master's thesis*. Faculty of Literature and Human Sciences, Gilan University. (In Persian)
- Chitambar, J. (2006). *Introductory rural sociology; a synopsis of concepts and principles*. Translated by: A. Hajjarian & M. Azkia. Tehran: Ney. (In Persian)
- Coser, L. A., & Rosenberg, B. (2018). *Sociological theory: A book of reading*. Translated by: F. Ershad. Tehran: Ney. (In Persian)
- Darvishi, Z. (2015). Studying the origins and consequences of mass conflict. Master's thesis. Faculty of Social Sciences. University of Tehran. (In Persian)
- Foruzandeh, T. (2023). The Impact of Honor Crimes on Mass Conflict in Kohkiluyeh, *Master's Thesis*, Faculty of Humanities, Dana Institute of Higher Education.
- Granovetter, M. S. (1973). The strength of weak ties. *American Journal of Sociology*, 78(6), 1360-1380. <https://doi.org/10.1086/225469>
- Injustice and Selective Victimization: A Case Study of the Niger Delta Region of Nigeria. in Agyeman, J., Bullard, R.D. & Evans, B.(eds), *Just Sustainabilities: Development in an Unequal World*, 270-288. London: Earthscan.
- Jafari Moghaddam, H. (2023). Investigating the social factors of individual conflict in Birjand city. *Master's thesis*. Faculty of Education and Psychology, University of Sistan and Baluchestan. (In Persian)
- Jahani, I., & Heydari, H. (2023). The relationship between macroeconomic indicators and collective conflict, *Research on deviance and social issues*, 7(3), 1-30. <https://dorl.net/dor/20.1001.1.3060821.1402.3.7.4.3> (In Persian)
- Kretzman, J., & John L. Mcknight. (1993). Building communities from the inside out: a path toward finding and mobilizing a community's assets, Chicago, IL: ACTA publications
- Matinuddin, K. (2009). Conflict, security, and development, *the Pakistan development review*, pp 991- 1001
- Meyer, P. (1989). *Kriegs und militar soziologie*. Translated by: A. R. Azghandi & M. S. Mahdavi. Tehran: Ghomess. (In Persian)
- Namaki, A., & Fazeli, M., & Ahmadi, Y. (2024). Ethnic Conflict: Developing a omprehensive culture index. *Social Science and Research In Iran*, 13(1), 17-33. <https://doi.org/10.22059/jisr.2024.369594.1468>. (In Persian)

- Ofuoku, A., & Isife, B. (2009). Causes, effects, and resolution of farmers nomadic cattle herders conflict in Delta state. *International Journal of Sociology and Anthropology*, 1(2), 047-054.
<http://dx.doi.org/10.13140/2.1.4114.4968>
- Parvaneh, S. (2020). Sociological study of the conflict phenomenon in Gilangharb city with grounded theory method. *Master's thesis*. Faculty of Humanities. University of Ayatollah Boroujerdi. (In Persian)
- Putnam, R. D. (2002). Bowling alone: The collapse and revival of American community. Simon Schuster.
- Rahmati, M., & Yazdani, M. (2021). Recognizing effective factor in the quarrel crime occurrence, *Journal of studies of human settlement planning*, 1(16). (In persian) <https://dorl.net/dor/20.1001.1.25385968.1400.16.1.12.5>
- Sheikhtaheri, M. R. and Firouzabadi, S. A. (2024). Conflict in Iran (Typology, Background, Causes and Dominant Factors). *Social Studies and Research in Iran*, 13(3), 390-369. <https://doi.org/10.22059/jisr.2024.376824.1505> (In Persian)
- Statistical Center of Iran. (2016). *Results of the General Population and Housing Census*. (In Persian)
- Strauss, A., & Corbin, J. (2016). *Basics of Qualitative Research, Techniques and Procedures for Developing Grounded Theory*. Translated by Ebrahim Afshar, Tehran: Ney. (in Persian)
- Tajik, A., & Atri, Z. (2007). *Historical monuments of ancient Varamin*, Qom: Mehramiralmomenin. (In Persian)
- Taleb, M., & Darvishi, Z. (2020). The rooting of mass conflicts between generation, *Journal of community development*, 21(2). (In Persian) <https://doi.org/10.22059/jrd.2000.76738>
- Triandis, H. C. L. (2009). *Culture And Social Behavior*. Translate by: N. Fata. Tehran: Rasanesh. (In Persian)
- Weber, M. (2009). *Basic Concepts in Sociology*. Translated by: A. Sedarati. Tehran: Markaz. (In Persian)